

## عنوان مقاله:

توصیف زبانشناختی ابهام (ambiguity)، راهبردی طنزآفرین در غزلیات حافظ

## محل انتشار:

هفتمین همایش بین المللی مطالعات زبان و ادبیات در جهان اسلام (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 13

## نویسنده:

فرهاد فریدزاده - کارشناس ارشد زبانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور واحد لوسان

## خلاصه مقاله:

ابهام یکی از شگردهای زبانی است که به دلیل ساحت چند معنایی خود بسیار مورد علاقه ی شاعران است و یکی از اصلی ترین صنایع ادبی مورد استفاده حافظ در جهت طنز آفرینی است. ابهام در ارتباط مستقیم با مسئله چند معنایی است و با ابهام در زبان خودکار برابر است و تفاوت آن در انتخاب است. ابهام به دو بخش اصلی شامل ابهام با تکرار و بی تکرار تقسیم می شود. ننز مقوله ای ارجح نسبت به سایر خنده آورها است و اگر نتوان آن را در زائر تراژدی جای داد قطعا در زائر کمدی نیز قرار نمی گیرد. حافظ یکی از بزرگترین شاعران زبان و ادبیات فارسی است که به دلیل روزگاری که در آن می زیسته است با پرهیز از مستقیم گویی از شگردهای مختلفی از جمله ابهام در شکل های مختلف آن در سطوح مختلف کلام در جهت طنز آفرینی بهره برده است و این بهره جویی بسامد بالایی دارد. یکی از نظریه های مهم در حوزه خنده آورها نظریه راسکین و آتاردوست که با ساحت اندیشگانی و تاسف انگیزانندگی طنز اشاره ای ندارد. بررسی این پژوهش - با نگاه به یک الگوی پیشنهادی - ابهام را با هر دو زیر شاخه اش صنعتی طنز آفرینی در غزلیات حافظ معرفی می کند.

## کلمات کلیدی:

حافظ، ابهام، طنز

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1554843>

